

نور علی میرزا

نقش علمای شیعه در دوره اول قاجار

با تأکید بر جنگ‌های ایران و روس



نصرالله پورفیاض

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پورفیاض، نصرالله، ۱۳۴۳ -

نقش علمای شیعه در دوره اول قاجار با تأکید بر جنگ‌های ایران و روس / نصرالله پورفیاض. - قم:

مؤسسه بوستان کتاب، ۱۴۰۱.

۵۷۶ ص.: مصور، نمونه. - (مؤسسه بوستان کتاب: ۳۱۲۵) (تاریخ)

ISBN 978-964-09-2465-5

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

کتاب‌نامه: ص. [۵۵۷] - ۵۷۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ق. - روحانیت. ۲. روحانیت - ایران - فعالیت‌های

سیاسی. ۳. مجتهدان و علما - ایران - تاریخ - قرن ۱۳ق. ۴. ایران - تاریخ - قاجاریان - ۱۱۹۳-۱۳۴۴ق. - جنگ

با روسیه، ۱۲۲۸-۱۲۴۳ق. الف. مؤسسه بوستان کتاب. ب. عنوان.

۹۵۵ / ۰۷۴۰۸۳۸

DSR ۱۳۱۵

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۹۷۴۸۸۰

۱۴۰۱

■ موضوع: تاریخ

■ گروه مخاطب: - تخصصی (طلاب و دانشجویان)

- عمومی

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۳۱۲۵

مستند انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۸۰۷۴

بوستان کتاب

**نقش علمای شیعه
در دوره اول قاجار
با تأکید بر جنگ‌های ایران و روس**

نصرالله پورفیاض

پیشگفتار
۱۳۰۱



نقش علمای شیعه در دوره اول قاجار با تأکید بر جنگ‌های ایران و روس

• نویسنده: نصرالله پورفیاض

• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

• لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

• نویت چاپ: اول / ۱۴۰۱ • شمارگان: ۳۰۰

• بهای: وبسایت رسمی مؤسسه بوستان کتاب

تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیک اثر متعلق به مؤسسه بوستان کتاب است

printed in the Islamic Republic of Iran

• دفتر مرکزی: قم، شهید (صفاییه)، ص. پ ۹۱۲/۳۷۱۸۵، تلفن: ۰۷-۳۷۷۴۲۱۵۵ شماره: ۳۷۷۴۲۱۵۲ تلفن بخش: ۳۷۷۴۲۲۲۶

• فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهید (عرصه ۲۰۰۰) عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر

• فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسطین، پلاک ۹۵۱، تلفن: ۶۶۹۶۹۸۷۸

• فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه جمشیدی، مجتمع پاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خرامان رضوی، تلفن: ۳۲۲۳۳۶۷۲

• فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهارراه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۳۲۲۲۰۳۷۰

• فروشگاه شماره ۵: (رنگین کمان)، فروشگاه کودک و نوجوان، قم، چهارراه شهید، پیش خیابان ارم، تلفن: ۳۷۷۴۳۱۷۴

• اطلاع از تازه‌های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۱۰۰۰۲۱۵۵ و یا ارسال درخواست:

به است. الکترونیک مؤسسه: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: www.bustaneketab.com

با قدردانی از همکاری این اثر تولید این اثر نقش داشته‌اند:

• اعضای شورای بررسی آثار • ویراستار: محمدرضا منصفی سرونانی • اصلاحات حروف نگاری و صفحه‌آرا: حسین محمدی

• نمونه خوانی: سیدعلی اصغر هاشمی نسب • کنترل فنی صفحه‌آرایی: سیدرضا موسوی منش

• طراح جلد: امیرعباس رجیبی • اداره آماده‌سازی: حمیدرضا تیموری

• اداره چاپخانه: مجید مهدوی، ناصر منتظری و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی

رئیس مؤسسه

محمدباقر انصاری

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۱
فصل اول: حکومت دوره اول قاجار و روحانیت.....	۲۳
مقدمه.....	۲۳
چگونگی به قدرت رسیدن حکومت قاجار.....	۲۸
ساختار حکومت قاجار (نیمه اول قرن سیزدهم قمری).....	۳۲
صدراعظم های فتحعلی شاه.....	۳۷
۱. حاج محمد ابراهیم کلانتر شیرازی.....	۳۸
۲. میرزا محمد شفیع قدیمی مازندرانی (اصفهانی الاصل).....	۳۹
۳. حاج محمد حسین خان امین الدوله (معروف به صدر اصفهانی).....	۴۰
۴. اللهیار خان آصف الدوله.....	۴۱
نظام اداری و دیوانی در زمان فتحعلی شاه.....	۴۶
وضعیت اقتصادی در دوره قاجار (۱۲۰۹-۱۲۵۰ق).....	۵۲
۱. وضعیت کشاورزی و روستاییان (۱۲۰۹-۱۲۵۰ق).....	۵۳
۲. صنایع و تجارت (۱۲۰۹-۱۲۵۰ق).....	۵۹
۳. تأثیر اقتصاد بر اوضاع سیاسی در دوره قاجار (۱۲۰۹-۱۲۵۰ق).....	۶۲
وضعیت اجتماعی ایران در دوره قاجار (۱۲۰۹-۱۲۵۰ق).....	۶۴

- سازمان روحانیت و جایگاه آن در دوره قاجار (۱۲۰۹-۱۲۵۰ق) ۷۰
- سیر مبانی فقهی در انسجام روحانیت اصولی ۷۲
- مستشرقان و روحانیت در دوره اول قاجار (۱۲۰۹-۱۲۵۰ق) ۸۴
- نقش علمای شیعه در امور اقتصادی نیمه اول قرن سیزدهم قمری ۸۹
- نقش اجتماعی عالمان دینی در نیمه اول قرن سیزدهم قمری ۹۱
- نقش روحانیت در امور سیاسی در نیمه اول قرن سیزدهم قمری ۹۳
- گروه‌های فکری علمای شیعه در دوره اول قاجار ۹۹
۱. علمای صوفیه ۹۹
۲. علمای شیخیه ۱۲۵
۳. علمای اخباری ۱۲۶
۴. بابیه ۱۳۱
۵. علمای اصولی شیعه ۱۳۲
- علمای صاحب‌منصب در اوایل دوره قاجار (۱۲۰۹-۱۲۵۰ق) ۱۳۳
- تعامل و تقابل روحانیت و قاجار (۱۲۰۹-۱۲۵۰ق) ۱۴۰
- علل تعامل علما با قاجار در دوره فتح‌علی‌شاه ۱۵۳
- الف) اهداف سیاسی ۱۵۵
- ب) ایجاد فضای مناسب برای تعلیم و تربیت طبق فرهنگ شیعه در جامعه ۱۵۶
- ج) استفاده از شرایط رسمی و عینی برای عمل به قوانین اجتماعی طبق احکام مذهب تشیع در جامعه ایران ۱۵۸
- د) حمایت مالی از مردم فقیر و بی‌پناه ۱۶۰
- ه) کنترل ظلم و ستم خان‌ها و حکام با امر به معروف و نهی از منکر ۱۶۱
- و) مبارزه با گروه‌ها و فرقه‌های انحرافی در شیعه ۱۶۱
- علل تعامل قاجار با علمای شیعه ۱۷۰
- الف) حل بحران مشروعیت و مقبولیت حکومت قاجار ۱۷۰

ب) هم‌بستگی قاجاریه و علما عامل وفاق ملی	۱۷۱
ج) کمک به پایان دادن اختلافات و حل مشکلات اجتماعی و سیاسی	۱۷۲
د) استفاده از نفوذ مذهبی علما برای بسیج همگانی	۱۷۲
ه) تأثیرگذاری قاجار در مسائل اجتماعی خارج از حیطه پایتخت و طبقات ضعیف	۱۷۲
و) تعلیم و تربیت مردم توسط علما جهت تصدی مناصب دولتی	۱۷۳
ز) علاقه شخصی آقامحمدخان، فتحعلی‌شاه و عباس میرزا به مذهب تشیع و علمای شیعه	۱۷۳
اقدامات علمای اصولی در دوره اول قاجار	۱۷۴
۱. شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطا)	۱۷۸
۲. میرزا ابوالقاسم گیلانی، معروف به میرزای قمی	۱۸۷
۳. ملا احمد نراقی	۲۱۱
۴. آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی (مشهور به آقا سید مجاهد)	۲۲۲
جمع‌بندی	۲۳۱

فصل دوم: واکنش روحانیت و قاجار در برابر کشورهای استعمارگر در دوره اول

قاجار	۲۳۳
آغاز روابط دیپلماتیک رسمی و نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دولت‌های غربی در ایران	۲۳۳
فراماسونرها در ایران در دوره اول قاجار	۲۵۱
تعامل و تقابل کشورهای اروپایی و قاجار	۲۵۶
روسیه و دولت قاجار (۱۲۰۹-۱۲۵۰ق)	۲۶۵
روسیه در تاریخ	۲۶۵
تنازعات و روابط روسیه با ایران	۲۶۷

۲۷۴.....	انگلستان و دولت قاجار (۱۲۰۹-۱۲۵۰ق)
۳۰۱.....	فرانسه و دولت قاجار (۱۲۰۹-۱۲۵۰ق)
۳۰۴.....	علمای شیعه و کشورهای بیگانه در نیمه اول قرن سیزدهم هجری
۳۰۷.....	علماء و تبلیغات کشیشان مسیحی
۳۱۱.....	علماء و جنگ‌های ایران و روس
۳۱۷.....	مبانی فکری علمای شیعه در دوره قاجار (۱۲۰۹-۱۲۵۰ق)
۳۱۹.....	علماء و اجتهاد در شیعه
۳۲۳.....	علماء و مبانی فقه سیاسی شیعه
۳۴۰.....	جمع‌بندی

۳۴۳.....	فصل سوم: جنگ اول ایران و روس
۳۴۴.....	دلایل وقوع جنگ اول
۳۵۳.....	علل شکست ایران در جنگ اول
۳۶۱.....	واکنش قاجار در برابر خدعه‌های مذاکره روسیه و کشورهای بیگانه در طول جنگ اول
۳۶۴.....	ایران و فرانسه در جنگ اول ایران و روس
۳۶۸.....	ایران و انگلیس در جنگ اول ایران و روس
۳۷۵.....	جنگ اول ایران و روس و قرارداد گلستان
۳۸۱.....	اقدامات روحانیت در جنگ اول ایران و روس
۳۸۴.....	دلایل درخواست قاجار برای صدور فتوای جهاد
۳۸۹.....	محتوای فتاوی جهادی
۳۹۷.....	عباس میرزا و مذهب و روحانیت
۴۰۱.....	عباس میرزا و اصلاحات
۴۲۰.....	جمع‌بندی

فصل چهارم: جنگ دوم ایران و روس.....	۴۲۳
جنگ دوم و بسترهای آن.....	۴۲۴
هماهنگی انگلیس با روسیه قبل از شروع جنگ دوم ایران و روس.....	۴۲۶
مذاکرات قاجار با روسیه برای عقب‌نشینی روسیه از مناطق اشغالی.....	۴۲۸
سیاست‌های روسیه برای ادامهٔ اشغال اراضی ایران.....	۴۳۲
قاجار و جنگ دوم ایران و روس.....	۴۳۶
علل شروع جنگ دوم.....	۴۵۴
دلایل شکست ایران در جنگ دوم.....	۴۷۶
تصرف تبریز توسط روس‌ها.....	۵۰۰
عهدنامهٔ ترکمان‌چای و موضع علما.....	۵۰۴
قتل گریبایدوف و نقش علما.....	۵۰۷
قاجار و روحانیت در جنگ دوم و دلایل صدور فتوای جهاد.....	۵۱۰
نقش علما در حرکت‌های سیاسی- اجتماعی بعد از جنگ با روسیه.....	۵۳۸
دست‌آوردهای علما از جنگ‌های ایران و روس.....	۵۴۰
دست‌آوردهای بیگانگان از جنگ‌های ایران و روس.....	۵۴۵
جمع‌بندی.....	۵۵۲
کتاب‌نامه.....	۵۵۷
الف) کتاب‌ها.....	۵۵۷
ب) مقالات.....	۵۷۰
پیوست‌ها.....	۵۷۲

مقدمه

از مقاطع بسیار حساس تاریخ معاصر ایران دوره اول قاجار، یعنی از تاج‌گذاری آقامحمدخان تا اول حکومت ناصرین‌الدین‌شاه است که عوامل مختلف داخلی و خارجی در تحولات این دوره مؤثر بود که تأثیر بسیار زیادی در وقایع تاریخ معاصر ایران گذاشته است. این برهه، آغاز ورود رسمی دولت‌های استعمارگر غربی و در رأس آن‌ها انگلیس و روس به ایران بود. ورود آن‌ها بعد از تحولات بزرگ صنعتی، فکری و اجتماعی در مغرب‌زمین بود. مهم‌ترین عامل در تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایرانیان، برخورد غربیان با ایرانیان بود که باعث به‌وجود آمدن پارادوکس‌های ذهنی و عملی میان بسیاری از نخبگان سیاسی و فرهنگی ایرانیان شد. به‌علاوه در همسایگی ایران آن زمان، حاکمان سنی‌مذهب بودند؛ از جمله حکومت سنی‌مذهب عثمانی با ساختار سیاسی و دینی چون حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس با ادعای امپراتوری بر کل جهان اسلام، در همسایگی غرب ایران وجود داشت. این امپراتوری به‌ظاهر اسلامی از ابتدای استقلال ایران در دوره صفوی با ایران شیعی مخالف و در ستیز بود. هم‌چنین در شرق ایران حکومت سنی‌مذهب گورکانیان از دوران صفویه تحت حمایت دولت‌های ایران قرار داشت. با وجود این به دلیل عدم درایت حاکمان ایران بعد از صفویه گاه به اهرم فشار علیه ایران تبدیل می‌شدند.

هم‌زمان در شمال ایران دولت تزار روسیه قرار داشت که از زمان پتر

کبیر در پی دسترسی به آب‌های گرم خلیج فارس و به دست آوردن فرصتی برای درنوردیدن ایران جهت رسیدن به اهداف خود در این منطقه بود. هم‌چنین در اروپا با تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و درگیری‌های نظامی مختلف، آن‌ها برای گسترش تسلط بر مناطق مختلف اروپایی و غیراروپایی در رقابتی پنهان بودند. انگلیس از سال‌ها پیش با نفوذ در شبه قاره توانسته بود با ازپاد آوردن حاکمان محلی، حکومت وابسته هند شرقی را در هندوستان تشکیل دهد. بدین ترتیب به دلیل وجود منابع معدنی مختلف در غرب آسیا و شبه قاره، رقابت و درگیری روس، فرانسه و انگلیس از اروپا به این مناطق کشیده شد. رقابت آن‌ها برای تصاحب منافع سرشار هند و آب‌های اطراف آن، کم‌کم باعث شد ایران را به عنوان حلقه اتصال شرق و غرب، به میدان رقابت‌هایشان تبدیل کنند. در آن زمان، اوضاع بین‌المللی و منطقه‌ای بر پیچیدگی‌های سیاسی و اقتصادی مراودات ایران با غرب و جهان اسلام افزود.

اوج عقب‌ماندگی و بدبختی ایرانیان در دوره اول قاجار، گرفتار شدن در دست پادشاهانی مستبد، خودکامه، ایلاتی منش، ستمگر و بی‌عرضه چون فتحعلی‌شاه بود که برایش هیچ موضوعی جز تخت و تاج و عیاشی اهمیت اساسی نداشت. این عوامل باعث انحطاط هرچه بیشتر ایران و وابستگی به قدرت‌های جهانی آن زمان شد. نفوذ و تأثیرگذاری غریبان بر ایرانیان تقریباً همه‌جانبه و در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بود. این تأثیرگذاری تا آن حد گسترده بود که حتی سیاحان، نظامیان و مورخان اروپایی تاریخ ایران و حکومت قاجار را طبق مبانی اندیشه غرب چینش، تنظیم و تألیف کردند. این تاریخ‌نویسی چنان غنی از شیوه و ابزار تحقیق بود که در سده‌های بعد حتی به دست بسیاری از تاریخ‌نویسان ایرانی مبانی اصلی پژوهش‌های تاریخی و اجتماعی ایران شد. به این دلیل بسیاری از مورخان ایرانی هر کدام متناسب با شرایط فکری،

سیاسی و شخصیتی خود چپ‌نیش و تفسیر خاصی مبتنی بر روش و بینش غربیان از وقایع و تاریخ ایران ارائه دادند و کم‌کم با تفسیرهای جدید مبتنی بر منابع فکری غرب بر پژوهش‌های اجتماعی و تاریخی ایران سایه افکند. از این‌رو با توجه به وابستگی تاریخ‌نویسی جدید به منابع تاریخی غربی با همه مزایایش، ناآشنایی و کم‌آشنایی غربیان با مبانی فرهنگ و سنت ایرانی باعث دست‌کاری و بازسازی غیر واقعی بسیاری از وقایع تاریخی، به‌ویژه تاریخ قاجار شد. به این دلیل دریافت حقایق و واقعیات تاریخی و تحلیل صحیح این دوره چنان پیچیده و سخت شده که شناخت درست میدانی آن به دلیل حاکمیت اندیشه غیر ایرانی بر منابع تاریخی جدید نیاز به دقت و ظرافت بیشتری دارد.

مورخان و پژوهش‌گران ایرانی و غربی در زمینه چگونگی وقوع و تحلیل حوادث و شخصیت‌های این دوره از تاریخ ایران بر اساس مبانی فکری و سیاسی و زاویه دید شخصی و سیاسی به اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی پرداخته و روایت‌های تاریخی متفاوت و گاه متناقضی ارائه نموده و با پررنگ کردن یک یا دو عامل، دیگر علل اساسی وقایع آن دوره را کم‌رنگ و گاه غیر واقعی جلوه داده‌اند. تاریخ‌نویسی مورخان دوره اول قاجار نیز از این قاعده مستثنا نیست. آن‌ها گاهی ضعف و زبونی شخصیت حکام قاجار را عامل اصلی مشکلات ایران دانسته و در مقابل، برخی جنبه‌های مثبت شخصیت فتح‌علی‌شاه را مطرح نموده و تنها ضعف وی را دین‌داری و توجه به شعائر دینی و رابطه‌اش با علمای دینی تلقی کرده و آن را علت اصلی شکست و عقب‌ماندگی ایران دانسته‌اند. برخی عامل شکست ایران در جنگ با روس را دین‌داران و در رأس آن‌ها علمای شیعه پنداشته و حتی پاره‌افرا تر گذاشته و بدون ارائه دلیل متقن، بعضی علمای جهادی علیه تجاوز روسیه را عامل انگلیس یا روس معرفی کرده‌اند. برخی نیز عامل شکست را ضعف راهبردهای جنگی و کاستی‌های نظامی و لجستیک لشکر عباس میرزا بیان نموده و عده دیگر عامل شکست را صرفاً دولت‌هایی

مانند انگلیس قلمداد نموده و با کم‌رنگ جلوه‌دادن دیگر عوامل، مورخان مقابل خود را تخطئه نموده‌اند. در مقابل، برخی با اندیشه‌های اجتماعی و تاریخی غربی، پژوهش‌گرانی که نقش خیانت‌بار دولت‌های استعماری به‌ویژه انگلیس در مراحل مختلف جنگ‌های ایران و روس و به‌فسادکشیدن درباریان قاجار را مطرح کرده و به دفاع از عملکرد علمای راستین پرداخته‌اند، تضعیف نموده‌اند. پس به نظر می‌رسد چون اندیشه‌های سیاسی، حزبی، شخصیتی، قومی و دینی مورخان و جامعه‌شناسان در مورد بیان و چینش حوادث تاریخی در چگونگی دریافت مخاطبان و خوانندگان تأثیرگذار است، پژوهش‌گران تاریخی و اجتماعی هرچند توانایی علمی به‌کارگیری ابزار و عوامل را برای یافتن سره از ناسره و فهم و درک واقعیات تاریخی داشته باشند، برای درک درست و صحیح منابع تاریخی باید با روش و بینش و حوزه معرفتی مورخانی که وقایع تاریخی به وسیله آن‌ها بازسازی و روایت می‌شود، آشنایی یابند. این مطلب فراتر از چارچوب نظری است که در ابتدای پژوهش‌های علمی مطرح است. چارچوب نظری صرفاً قالب چگونگی ورود و خروج به موضوع از زاویه دید و علم خاص است (هرچند فهم علوم انسانی مطابق پیش‌فرض‌های معرفتی قابل تفسیر می‌باشد)، ولی مبانی معرفتی، فکری و نظری مورخ و پژوهش‌گر به شکل عمیق‌تر و ظریف‌تر در جهت‌دهی، چینش و تحلیل مطالب تاریخی و اجتماعی تأثیرگذار است که معمولاً در تحقیقات علوم انسانی به عنوان یکی از مراحل مؤثر در پژوهش‌ها از بیان آن غفلت می‌گردد و صرفاً به چارچوب نظری تحقیق به عنوان اساس تحلیل و مدل نظری پژوهش بسنده می‌شود؛ در صورتی که همان‌طور که زاویه دید پژوهش‌گر و چارچوب نظری برای بیان پژوهش تاریخی و تحلیل حوادث مهم است، مبانی معرفتی و اندیشه‌ای مورخان و پژوهش‌گران منابع تاریخی در فهم درست گستره وقایع و هستی‌شناسی گزاره‌ها و منابع تاریخی برای نحوه بیان وقایع تاریخی و اجتماعی مهم‌تر است.

بدین لحاظ باید گفت همان طور که نمی شود صرفاً برای تحلیل واقعه تاریخی با مواضع کلامی وارد تاریخ و تحلیل آن شد و نتیجه تاریخی گرفت، با مبانی معرفتی سوسیالیستی نیز نمی توان کل واقعیت حادثه تاریخی را که سنت های دینی و اعتقادی بر آن حاکم است، بیان کرد و آن ها را عامل اصلی و پیش درآمد تمام تحولات آن جامعه دانست. عکس این موضوع هم صادق است. این مورد غیر از اندیشه حاکم بر گزاره های تاریخی است که از مشکلات اساسی مورخ برای بازسازی علل حوادث تاریخی و اجتماعی می باشد، چون گاهی پژوهش گران، مورخان و جامعه شناسان با اندیشه ها و اهداف سیاسی، قومی، حزبی و... با مبانی معرفتی خود وارد تاریخ نویسی و جامعه شناسی در چارچوب ایدئولوژی دینی، سوسیالیستی و کاپیتالیستی می شوند و با پررنگ کردن عوامل مورد نظر خود به تخطئه دیگر عوامل شکل گیری حوادث تاریخی و اجتماعی اقدام می کنند. مسئله مهم در این راستا فهم مبانی فکری و حتی سنت ها و فرهنگ ها در ساخت گزاره ها و منابع تاریخی است که در تحولات اجتماعی و تاریخی قوم، ملت، کشور و امت به عنوان گزاره انکارناپذیر در چینش، تحلیل و علل یابی وقایع باید به آن ها توجه شود. هر مورخ طبق مبانی معرفتی، هستی شناختی و روش شناسی خود به چینش و تحلیل حوادث تاریخی اقدام می کند و می کوشد خواننده منابع تاریخی را به هدف تحقیق خود نزدیک تر نماید و از خطای احتمالی در برداشت وقایع تاریخی و اجتماعی بر حذر دارد و به قبول نظر خود مجاب کند.

به طور کلی فهم و هضم درست حوادث دوره اول قاجار و جنگ های ایران و روس علاوه بر شناخت و فهم مبانی معرفتی مورخان منابع تاریخی، منوط به شناخت دقیق وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران و ساختار حاکمیت دوره اول قاجار در مناطق مختلف و نیز چگونگی روابط و تقابل و تعامل آن ها با هم دیگر، خصوصاً تعامل حاکمان قاجار و خان های محلی و روحانیت است. دومین پارامتر تأثیرگذار در بازسازی حوادث آن دوره،

چگونگی شناخت و فهم ساختار حاکمیت قاجار، طبقات اجتماعی ایرانیان و روابط سیاسی- نظامی حاکم بر جهان و منطقه است. سومین موضوع مهم که کمتر بدان پرداخته می‌شود، شناخت مبانی دینی علمای شیعه دوره اول قاجار در زمینه جامعه و حکومت و دلایل آن‌ها برای ورود به مسائل سیاسی- اجتماعی و تعامل آن‌ها با حکام قاجار است. چهارمین پارامتر، شناخت وضعیت طبیعی و جغرافیایی مناطق جنگ و شیوه‌های برتر نبرد ایرانیان در آن مناطق و دانستن نقطه قوت ایرانیان در جنگ‌های آن دوره است. پنجمین پارامتر برای شناخت حوادث، ضرورت داشتن آگاهی‌های نظامی و جنگ‌های روانی و سیاسی است که در جنگ‌ها باعث ایجاد هیجان‌ها و احساسات در جامعه می‌شود. با ارزیابی این مورد، استفاد از قدرت نرم طرفین درگیر در جنگ، بهتر درک خواهد شد. استفاده از این سلاح در آن زمان توسط ستون پنجم و ارتباطات طرفین درگیر با قدرت‌های ساکن مناطق جنگی، خصوصاً خان‌ها تأمل انگیز است. ایران دوستی بسیاری از مردم مناطق جنگی اهرمی بود که متأسفانه قاجار نتوانست به خوبی از آن استفاده کند و پژوهش‌گران به این موضوع تعیین کننده در سرنوشت جنگ‌ها کمتر توجه مو شکافانه کرده‌اند.

با شناخت این موارد و جزئیات دیگر و استفاده از منابع صحیح و جرح و تعدیل آن‌ها، می‌توان فهم درستی از حوادث دوران اول قاجار و چگونگی تعاملات داخلی و خارجی و دلایل شکست‌ها و ناکامی‌ها و احتمالاً پیروزی‌ها به دست آورد. در این نوشته سعی شده است با بررسی و تجزیه و تحلیل موارد یادشده، علل حوادث و چگونگی اتفاقات آن دوره تاریخی ارائه گردد.

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای به بررسی و تحلیل حوادث تاریخی و نظریات متفاوت مورخان در مورد حوادث دوره اول قاجار پرداخته و با بیان مبانی نظری و عملی علمای اصولی مذهب تشیع، چگونگی تحولات تاریخی، سیاسی و دینی آن دوره را بررسی کرده است.

گسترش مذهب تشیع در زمان ائمه علیهم السلام و دوران غیبت صغرا و کبرا مرهون مجاهدت آشکار و پنهان علمای راستین شیعه هر دوره در طول تاریخ است. بعد از دوران ائمه علیهم السلام مذهب تشیع از زمان صفویان با تلاش علمای شیعه بین توده‌های مردم ایران راه یافت و توسط سلسله صفوی بر ایران حاکم شد. در این دوران، علمای راستین با استفاده از میراث علمی و فرهنگی مذهب شیعه امامیه توانستند از فرصت استفاده کنند و برای توده‌ها مبانی فقهی و اعتقادی شیعه را متحول و قابل فهم نمایند. تحولات علمی و فرهنگی شیعه در چارچوب فرآیند مستمر با تلاش علمای شیعه از نخستین قرون اسلامی تا دوره معاصر منجر به تحول در مفاهیم، ساختار، فصل‌بندی و تبویب میراث فقهی شیعه و تبیین کلام امامیه گردید. از صدر اسلام که ائمه معصومین علیهم السلام را از خلافت و جانشینی پیامبر کنار زدند و آن منصب را غصب کردند و بر مذهب شیعه و پیروان آن با قوه قهریه سخت‌گیری نمودند، علمای اصولی شیعه هر زمان که از خفقان اموی و عباسی آسایشی به دست می‌آوردند، به بسط اصول فقهی، خصوصاً فقه سیاسی با اجتهاد در امور مستحدثه می‌پرداختند. این اقدام شیعیان بعد از برخی گشایش‌های اندک در دوران اموی و عباسی، ابتدا در عصر حکومت شیعی آل بویه و دیلمیان توسط علمای شیعه در عصر غیبت کبرا شکل جدی‌تری گرفت. با توسعه جامعه شیعی و گسترش پیوندهای اقتصادی و اجتماعی شیعیان در قالب حکومت‌های شیعی، فارغ از اغتصابی بودن حکومت آن‌ها از منظر فقه شیعه در بلاد مختلف جهان اسلام گاهی علنی و در بسیاری موارد مخفیانه علماً به بسط مبانی شیعه و انسجام‌بخشیدن شیعیان پرداخته‌اند، اما رفتار نسبتاً مناسب حکومت‌های شیعی فوق با علما و فقیهان بزرگی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی گاه زمینه‌های فعالیت‌های دینی و اجتماعی آن‌ها را میسر می‌کرد، چنان‌که بعضی مواقع علما با گرفتن زعامت دینی جامعه شیعه حتی در دوران حاکمیت عباسیان، با خلق آثار گران‌بها در زمینه فقه، کلام و تفسیر به تدوین

و بسط مبانی شیعه پرداخته و بسیاری از مبانی و مفاهیم اجتماعی و سیاسی مذهب شیعه مانند نیابت عامه، نحوه اخذ وجوهات شرعی، میزان و گستره اختیارات فقها در اداره امور اجتماعی، نحوه تعاملات با سلطان و حاکم اسلامی (عادل و جابر) و تعامل و ارتباط با بیگانگان را در مکتوبات خود آوردند.

با وجود این حکومت‌های شیعی در قرون سوم و چهارم هجری معمولاً ذیل خلافت عباسی ادامه نمی‌یافتند و مجدداً محدودیت‌های شدیدتری بر شیعیان، خصوصاً علما و فقهای شیعه توسط حاکمان عباسی مستولی شد. این وضعیت تا پایان خلافت عباسی کم‌وبیش ادامه داشت و بعد از حمله مغول به ایران، خصوصاً در دوره تیموریان و ایلخانان تقریباً فضای بهتری برای علما و اندیشه‌وران شیعه به وجود آمد. سپس در دوران صفوی و قاجار با تشکیل حکومت شیعی در ایران و آماده شدن زمینه‌های سیاسی و اجتماعی، کم‌کم علما با تلاش زیاد و استفاده از میراث فقهی و کلامی شیعه، نگارشی نواز احکام سیاسی فقه شیعه که در کتاب‌های علما به صورت پراکنده در لفافه ابواب متعدد فقهی و اعتقادی شیعه مستور مانده بود، ارائه دادند و به صورت عینی وارد بحث‌های نظری و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی جامعه شیعه ایران شدند و عملاً قاعده «نیابت از امام معصوم در اداره جامعه توسط فقیه آگاه و متقی» را که در میراث فقهی و کلامی شیعه مستور مانده بود، مطرح نمودند. این امر باعث عمومیت یافتن شعائر شیعه امامیه و تغییر نگرش شیعیان به مسئله قدرت و سیاست شد.

رشد و گسترش مذهب شیعه و نفوذ علمای راستین و اصولی شیعه در جامعه شیعی ایران را می‌توان مبنای این تحول نظری و عملی دانست. با دقت در سیر این تحولات، می‌توان گفت مرکز ثقل تحول سیاسی و فقهی در مبانی علمای شیعه با ورود عینی علما در مسائل سیاسی و روابط داخلی و خارجی در دوره اول قاجار، خصوصاً با تعامل با حاکمان قاجار در جنگ‌های روس علیه ایران آغازی نو یافت. تعامل علمای اصولی شیعه با قاجار بر اساس مبانی فقهی و اعتقادی شیعه و

کاملاً حساب شده صورت گرفت. حاکمان قاجار، خصوصاً شخص فتحعلی شاه و عباس میرزا برای تثبیت پایه‌های حکومت خود به دنبال استفاده از نفوذ علما برای ایجاد انسجام و وحدت ملی میان اقشار و اقوام مختلف ایرانی بودند. در مقابل، علمای اصولی با همراهی قاجار عملاً دنبال تثبیت مذهب شیعه در ایران و کنترل احتمالی حاکمان قاجار از ظلم و ستم بر اقشار ضعیف بودند.

بدیهی است برای فهم صحیح این امر باید به بررسی مبانی فقهی- اعتقادی علمای اصولی و راستین شیعه و ساختار سازمانی- حکومتی قاجار و مقایسه عملکردهای طرفین پرداخت. علمای راستین شیعه با استفاده از ظرفیت به وجود آمده از استقرار قاجار در ایران و تمایل آن‌ها به علمای شیعه، علاوه بر ارائه گفتمان جدید از مبانی نظری شیعه، با اقدام عملی و حضور فیزیکی در جنگ برای تثبیت حکومت شیعی در برابر تهاجمات کفار خارجی، نقطه عطفی در نواندیشی بر اساس مبانی نظری و عملی قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام در تاریخ شیعه به وجود آوردند. آن‌ها با صدور فتاوا و حضور در جبهه‌ها مردم را برای رفتن به جبهه‌ها تشویق کردند و باعث انسجام ملی و مذهبی در برابر دشمن خارجی شدند. علمای اصولی بیش از هر چیز دنبال هدایت حکومت قاجار به سوی اجرای احکام اسلام بودند. حکام قاجار نیز به سبب جایگاه ویژه علمای شیعه در تمام نقاط ایران و عدم توانایی و کنترل بلاد و مناطق مختلف ایران و ضعف اساسی آن‌ها در برابر دشمنان خارجی به استفاده از قدرت بالقوه علمای شیعه برای پیش برد اهداف خود در جبهه‌های داخلی و خارجی نیاز داشتند. از این رو علما از این موقعیت بهره بردند و با پشتیبانی از قاجار و صدور فتوای جهادی، باعث انسجام ملی بین اقوام مختلف ایرانی و تثبیت حکومت شیعی قاجار در داخل و مقاومت آن‌ها در برابر دشمنان ایران شدند.

متأسفانه حکام قاجار که لگام کامل حکومت را در دست داشتند، از این وحدت و انسجام ملی و مذهبی، به ویژه در جنگ دوم ایران و روس استفاده

درستی نکردند. با ورود غریبان خصوصاً انگلیس در جنگ‌های ایران و روس چه به عنوان متحد و هم‌پیمان ایران و چه به عنوان ناظر در مذاکرات ایران و روسیه، تمام برنامه‌های قاجار و علما و تعامل آن‌ها با هم‌دیگر بی‌نتیجه ماند و غریبان توانستند به انحای مختلف بر حاکمان ایران و سیاست‌های نظامی و اقتصادی ایرانیان سیطره یابند و اهداف آشکار و پنهان خود را در کشور پیش ببرند.

از اقدامات آن‌ها نفوذ در فرهنگ و آموزش ایرانیان بود. آن‌ها با نوشتن کتاب‌های مختلف در زمینه تاریخ ادوار ایران، تاریخ دوره اول قاجار را با مبانی، دیدگاه‌ها و باورهای خودشان چینش و بازسازی کردند و معمولاً آنچه را در تطورات اجتماعی، سیاسی و مذهبی غرب با آن روبه‌رو شده بودند، به جامعه دینی ایران سرایت می‌دادند و دین و علمای شیعه را همچون کلیسا و اربابان کلیسا عامل عقب‌ماندگی ایرانیان قلمداد می‌کردند و بالتبع دین و عالمان دینی را عامل اصلی شکست ایرانیان در جنگ‌های ایران و روس و عقب‌ماندگی ایرانیان از قافله توسعه در نوشته‌های تاریخی القای نمودند. بدین ترتیب با تحریف بعضی واقعیات تاریخ ایران، با نوشتن آنچه در جهت اهداف استعماری آن‌ها بود، ذائقه و باور مراکز علمی و دانشگاهی کشور را با تأکید بر تأثیر معجزه‌آسای دست‌آوردهای علم جدید در تحولات اجتماعی ممالک غربی تغییر دادند، به طوری که در هر پژوهش علمی و دانشگاهی کشور با این رویه خصوصاً بعد از نهضت مشروطه با موج سهمگین روشن‌فکری هدایت‌شده از طرف غرب، چنان بعضی واقعیات تاریخی را قلب کردند که تأثیر مثبت حضور علمای اصولی در جنگ‌های ایران و روس در انسجام ملی ایرانیان، کم‌رنگ یا منفی جلوه داده شد و بعضاً با استناد ناصحیح به رفتار عده‌ای ناچیز از روحانیان خودسر و درباری، علمای اصولی و مبارز شیعی را بدون هیچ استناد متقن برای فریب اذهان، وابسته به انگلیس یا روسیه و غیره

قلمداد نمودند و اقدام علمای اصولی شیعه در نواندیشی در زمینه مبانی فقهی و ایجاد گفتمان جدید نظری از مبانی تشیع در مسائل اجتماعی و سیاسی را عمداً اقدامی شخصی و سیاسی از طرف علما دانستند و نواندیشی‌های سیاسی و اجتماعی علمای شیعه را در محاق فراموشی قرار دادند یا با تفسیر و تحلیل‌های غلط به تاریخ‌سازی غیر واقعی از این دوره پرداختند.

با این‌که بعضی مورخان در بار قاجار بارها به تأثیر مثبت حضور علمادر جنگ‌های ایران و روس برای تشویق مردم جهت حضور در جبهه‌ها اذعان داشتند، در تواریخ مستشرقان و وابستگان فکری آن‌ها با استناد به بعضی منابع غیر واقعی، حضور علما را باعث شکست ایرانیان در برابر روسیه و در شروع جنگ دوم، آنان را مقصر اصلی جلوه دادند و حتی در بعضی کتاب‌های دوران پهلوی، سید مجاهد را به‌طور ناشیانه عامل انگلیس معرفی نمودند، اما بعد از انقلاب اسلامی، مورخانی واقع‌بین چون عبدالهادی حائری، عبدالحسین زرگری‌نژاد، رسول جعفریان، موسی نجفی، موسی حقانی و بسیاری دیگر از اندیشه‌وران مسلمان با تفکرات متفاوت و با ارائه مستندات به بیان بعضی واقعیات تاریخ معاصر ایران پرداختند. در این راستا مورخان اندیشه‌وران متعددی در داخل و خارج ایران نیز با بیان مبانی سوسیالیستی، مارکسیستی و لیبرالیستی با تألیف کتاب‌های متعدد با نگاهی جدید و گاه با مبانی پست‌مدرن به تحلیل و نقد و بررسی حوادث تاریخ ایران دوره اول قاجار اقدام کردند، ولی به دلایل مختلف، دیدگاه‌های غیرایرانی - اسلامی توانسته‌اند میان دانشگاهیان و مراکز علمی بعد از انقلاب اسلامی جا باز کنند. این دیدگاه‌های تاریخی غالباً بر مبانی مخالف و گاه متضاد با دین و فرهنگ ایرانی استوار است. آن‌ها با اصرار بر تلقینات غیر واقعی استعماری یا بزرگ‌نمایی ضعف‌های نخبگان و ساختارهای حکومتی و کاستی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن دوره و دوره‌های بعدی و مقایسه آن‌ها با

نخبگان و پیشرفت‌های اندیشه‌ای و تکنولوژی دولتی‌های اروپایی، تفسیری غیرواقعی از تاریخ معاصر ایران ارائه می‌دهند.

این کتاب برای تیرنه علمای درباری وابسته یا تخطئه بعضی خادمان کشور نوشته نشده، بلکه برای بیان واقعیات تاریخی و مبارزه چندجانبه علمای راستین شیعه در تدوین مبانی حکومت شیعه و مبارزه با فرقه‌های انحرافی و میسیونرهای مسیحی نگاشته شده است تا درایت آن‌ها در ارائه مبانی دینی، سیاسی و حکومتی شیعه طبق آیات و روایات برای ایجاد انسجام ملی ایرانیان و تثبیت مبانی و ساختار حکومت شیعی در ایران، به‌ویژه نجات کشور از سلطه استعمار و وابستگی آن‌ها روشن شود. در این راستا سعی شده است از بیان خدمات افراد خدوم و مستقل ایرانی با اندیشه متفاوت به این مرز و بوم دریغ نشود.

این کتاب در چهار فصل نگاشته شده است. در فصل اول به ساختار حکومت قاجار و نحوه به قدرت رسیدن آن و سازمان روحانیت پرداخته شده، در فصل دوم، تعامل و تقابل کشورهای اروپایی با قاجار در طول جنگ‌های ایران و روس و نحوه برخورد و همکاری علما با قاجار توضیح داده شده و تحلیل گشته، در فصل سوم به جنگ اول ایران و روس و اقدامات قاجار و روحانیت و عملکرد و اصلاحات عباس میرزا پرداخته شده و فصل چهارم به جنگ دوم ایران و روس و اقدامات روحانیت و قاجار و سپس تأثیرات این جنگ‌ها و مسائل سیاسی و اجتماعی بعدی اختصاص یافته است.

در پایان از مدیریت و دست‌اندرکاران تولید مؤسسه بوستان کتاب که در آماده‌سازی و چاپ این اثر یاری رسانده‌اند، قدردانی می‌کنم.

فصل اول

حکومت دوره اول قاجار و روحانیت

مقدمه

دوران حکومت قاجار به‌ویژه دوره ۶۵ ساله اول آن (اوایل حکومت آقامحمدخان از سال ۱۱۹۵ تا ۱۲۶۴ق شروع حکومت ناصری) در تحولات تاریخ معاصر ایران تأثیر بسیار زیادی داشته است. حکومت قاجار بعد از صفویه، مذهب شیعه را دین رسمی کشور معرفی کرد و با علمای شیعه از در تعامل برآمد، در حالی که حکومت‌های بعد از صفویه، خصوصاً نادرشاه افشار به دلایلی به تغییر ماهیت مذهبی حکومت شیعی ایران نظر داشتند، اما با تلاش علمای دوران صفویه، مذهب شیعه در پیکره توده‌های مردم رسوخ کرد و باعث انسجام ملی و استقلال ایران شد و سیاست‌های حاکمان افشاری نتوانست عاملی برای تضعیف مذهب شیعه در ایران گردد، به‌طوری که پس از افشاریه، به‌ویژه بعد از روی کار آمدن قاجار، مجدداً حکام به مذهب و علمای شیعه التفات نشان دادند.

بعد از تضعیف حکومت زندیه، آقامحمدخان با فرار از دربار زندیه در شیراز از سال ۱۱۹۳ق به مدت شانزده سال با جنگ و گریز، نواحی مختلف ایران را تحت فرمان خود درآورد و بر تخت سلطنت جلوس کرد و «هنگام

این جلوس، ۱۲۰۹ سال از هجری برفته بود.^۱ با این حال به دلیل این که طایفه قاجار بین ایرانیان جایگاه اجتماعی نداشتند و صفویه، افشاریه و زندیه هنوز میان اقوام ایرانی طرف دارانی داشتند، آقامحمدخان قاجار با زور و فشار و جنگ های خونین توانست طوایف مختلف را مطیع خود کند. آقامحمدخان برخلاف نادرشاه به جایگاه مذهب تشیع و علمای شیعه بین مردم ایران واقف بود و با علما به نرمی رفتار می کرد و به رسوم و شعائر مذهب شیعه احترام می گذاشت و سعی داشت تا حدودی با علما ارتباط نزدیک داشته باشد تا بلکه از جایگاه و نفوذ آنان برای تثبیت حکومتش استفاده نماید.

به دستور و وصیت آقامحمدخان بعد از مرگ وی، برادرزاده اش باباخان (فتحعلی شاه) به تاج و تخت رسید. با این که بعد از مرگ آقامحمدخان در مناطقی از ایران شورش هایی رخ داد، فتحعلی شاه توانست بعد از مدتی جنگ و گریز، طوایف شورشی را سرکوب کند و مجدداً سراسر ایران را به سیطره قاجاریه درآورد. فتحعلی شاه بعد از آرام کردن اوضاع کشور تغییر رویه داد و برای خوش گذرانی، بیشتر وقتش را در حرم سراهای خود سپری می کرد. وی از نظر شخصیتی فردی هوسران، زن باره، طماع و لثیم بود و با ازدواج های مکرر، دارای فرزندان زیادی شد. او برای سیطره قاجار، فرزندان و شاهزادگان قاجار را حاکم مناطق و ولایات مختلف ایران کرد. با وجود این بسیاری از شاهزادگان به دلیل قلت سن یا با پرداختن به هوا و هوس و شرب خمر رغبتی برای دفاع از مملکت در مواقع حساس نداشتند.^۲ از طرف دیگر به سبب این که زنان وی از طوایف مختلف بودند، بیشتر شاهزادگان با حس طایفه گری و کسب جایگاه بالاتر و تصاحب قدرت با هم در رقابت بودند. فتحعلی شاه فرزندش عباس میرزا را که از طرف مادر و پدر قجری بود، به

۱. میرزا محمد تقی لسان الملک، ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۷۹.

۲. ایرج افشار، دفتر تاریخ، ج ۱، ص ۵۹ و ۶۰.

ولایت عهدی خود برگزید که این امر باعث حسادت و کدورت‌هایی بین او و برادران بعضاً بزرگ‌ترش شد.

حفظ تاج و تخت، هدف اصلی حکومت فتح‌علی شاه بود و او توجه خاصی به مشکلات اجتماعی و اقتصادی مردم نداشت. تحمیل جنگ‌های داخلی از سال ۱۱۹۳ق به دست آقامحمدخان برای به‌چنگ آوردن حکومت و ادامه مشکلات اجتماعی و اقتصادی در جنگ‌های اول و دوم ایران و روس به علاوه فشارهای روحی و تلفات جانی، مردم را در فقر اقتصادی و بیچارگی اجتماعی قرار داد. نظام حکومت فئودالی در ایران و ظلم و بی‌داد بعضی حکام محلی و خان‌ها با گرفتن انواع مالیات‌ها مردم را به ستوه آورده بود. در این شرایط، تنها مأمن و پناهگاه مردم در برابر زور و ستم حکام درباری و خان‌های محلی، علمای راستین و غیردرباری شیعه بودند. علما با دفاع از مردم در برابر زورگویی حکام قاجار و با رتق و فتق بسیاری از مشکلات و دعاوی مردم، علاوه بر محبوبیت دینی، از محبوبیت اجتماعی در بلاد مختلف ایران برخوردار بودند.

فتح‌علی شاه به دلیل عدم محبوبیت اجتماعی و مشروعیت سیاسی، جهت تثبیت جایگاه حکومت قاجار به علما احترام می‌گذاشت و با انجام دادن شعائر مذهبی از جمله شرکت در عزاداری‌های محرم، تعمیر قبور ائمه علیهم‌السلام و امام‌زادگان در ایران و عتبات، خود را به علما نزدیک می‌کرد.

شاه، تشیع را به عنوان مذهب رسمی ایران معرفی کرده و به‌ظاهر در پی تشکیل حکومت شیعی بود. بدین لحاظ امپراتوری عثمانی سنی مذهب که در آن زمان بر بلاد سنی مذهب سیطره داشت، در تقابل با حکومت شیعی قاجار بود و آن را تهدیدی جدی برای خود تلقی می‌کرد و مترصد بود تا در زمانی مناسب به حکومت شیعی در ایران پایان دهد. از طرف دیگر، شروع حکومت قاجار هم‌زمان با روی‌آوری و به‌نوعی تهاجم کشورهای استعمارگر

غربی و طمع ورزی آن‌ها به ایران همراه بود. به این دلیل، علمای اصولی شیعه برای هم‌بستگی و انسجام دینی و ملی ایرانیان در مقابل تجاوزات دولت‌های استعمارگر غربی و حکومت عثمانی برای تقویت حکومت شیعی با حکام قاجار همراهی کردند. این همکاری و تعامل در زمان تهاجم روسیه به مرزهای شمالی کشور بیشتر نمایان شد، زیرا تنها حکومت مستقل ایرانی و شیعی (که حکومت جور هم بود) تهدید شده و روبه فروپاشی بود. چون حاکمان قاجار در برابر تهاجمات خارجی به ایران ایستادگی کردند و ارادت خود را به شعائر مذهب شیعه ابراز نمودند، علمای شیعه برای حفظ حریم جامعه مسلمانان با درخواست حکام قاجار وارد عمل شدند و علیه روسیه فتوای جهاد صادر کردند.

هم‌زمان فرقه‌های انحرافی زیادی از فرق به‌ظاهر شیعه مانند صوفیه، شیخیه و اخباریه در سازمان روحانیت شیعه ظهور و به دلایلی رشد کردند و در پی نفوذ و تأثیرگذاری بر دربار قاجار بودند. در آن دوره، تنها گروه از علمای شیعه که با مبانی فکری موجود در روایات و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در جهت حفظ حریم حاکمیت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در جامعه می‌کوشیدند، علمای اصولی و شیعه اثنا عشری بودند. آن‌ها بر اساس مبانی فقهی و کلامی شیعه معتقد بودند در زمان غیبت امام عصر علیه السلام حکومت از آن فقهای عادل است و حکومت غیر فقیه عادل شیعی را حکومت جور و اطاعت از آن را حرام تلقی کردند. این عده در آن دوران به عنوان علمای راستین و اصولی بین ایرانیان جایگاه ویژه‌ای داشتند.

در طول صدها سال حکومت‌های به‌ظاهر اسلامی در ایران و دیگر بلاد، هر گونه فعالیت علنی علمای اصولی شیعه در حاکمیت‌های به‌ظاهر اسلامی و سنی مذهب ممنوع بود و در صورت مشاهده فعالیت آن‌ها از طرف

حاکمان جور سنی مذهب به شدت با آن‌ها برخورد می‌شد. در طول قرن‌های متمادی حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس سنی مذهب، فعالیت علمای شیعه محدود به بیان نظری مبانی شرعی در فقه عمومی و مبانی اعتقادی به دور از نظر حکام بود و به دلیل جو خفقان حکومت‌های جور سنی مذهب و نبود حکومت شیعی، علمای شیعه در بیان مبانی شرعی و اعتقادی به مسائل سیاسی و حکومتی نمی‌پرداختند و بیشتر در لفافه فقه عمومی و گاه در ضمن بیان مبانی کلامی به آن‌ها اشاره می‌کردند. در این برهه که حکومت مستقل شیعه مذهب شکل گرفته بود، آن‌ها به تبیین چارچوب مبانی فقهی، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی شیعه اقدام کردند و جهت ایجاد انسجام ملی بین ایرانیان در برابر تجاوزها و تهدیدهای داخلی و خارجی و برای دفاع از کیان مسلمانان و دولت شیعه، به ویژه جهت جلوگیری از هضم شدن اقلیت شیعه در اکثریت جوامع سنی با حاکمان قاجار همراهی کردند. علمای شیعه اصولی با استدلال بر مبانی فقهی و استفاده از رویه پیامبر اسلام ﷺ و ائمه هدی علیهم‌السلام در مماشات با حاکمان جور و حتی همراهی با آن‌ها تا حدی عمل نمودند که ظلم را از شیعیان برطرف کند یا حتی حق را به آن‌ها برساند و حتی افرادی مانند کاشف‌الغطا در همراهی با قاجار در جهاد علیه روسیه امثال فتح‌علی شاه را نایب خود قرار دادند و با این حال به آن‌ها گوشزد می‌نمودند که حکومت از آن معصوم و سپس فقیه عادل است.

در این فصل برای فهم دقیق وضعیت سیاسی، اقتصادی و دینی ایرانیان در دوره اول حکومت قاجار، شرح کوتاهی درباره نحوه شکل‌گیری حکومت قاجار و ساختار حکومتی و وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در آن دوره ارائه شده و سپس چگونگی سازمان روحانیت شیعه و علل و نحوه تعامل آن‌ها با قاجار و نقش علمای شیعه در تحولات جامعه آن دوره بیان گشته است.

چگونگی به قدرت رسیدن حکومت قاجار

حکومت قاجار در سال ۱۲۱۰ ق با تاج گذاری آقامحمدخان در تهران آغاز شد.^۱ اصل ایل قاجار از ایلات ترکمان است، ولی به عقیده اکثر مورخان، این طایفه از طوایف ترک و ترکستان می باشد. قاجاریه سلسله النسب خود را به قراچارنویان، چهارمین نیای امیر تیمور گورکانی رسانده اند.^۲ چون امیر تیمور ادعا کرده بود نسبش به چنگیزخان مغول می رسد، حاکمان قاجار برای جبران کاستی های پیشینه شان برای مقبولیت اجتماعی، خود را به طایفه ای از مغول نسبت می دادند. فرهنگ آن ها ایلاتی و قبیله ای بود. آن ها مشروعیت و مقبولیت عمومی بین اقوام ایرانی همچون صفویه را نداشتند (براساس طایفه ای از شاهان گذشته، قدرت نظامی و جایگاه دینی). از این رو دچار ضعف جایگاه اجتماعی، ساختاری و عملی برای رسیدن به حاکمان شیعی گذشته ایران بودند. برای جبران این کاستی، حاکمان قاجار به ویژه فتحعلی شاه بیش از حاکمان گذشته به مذهب و انجام دادن شعائر دینی رو آورد و به علمای شیعه احترام گذاشت.

از این طایفه، هشت تن حکومت کردند که نخستین آن ها آقامحمدخان و آخرین شان احمدشاه بود. ایل قاجار در زمان شاه اسماعیل صفوی جزء قزلباش ساکن ایران بودند. بعد از حکومت صفوی در زمان نادرشاه افشار، ایل قجر در شکست افغان ها در ایران نقش زیادی داشت، اما در حکومت زندیه، کریم خان زند، محمدحسن خان، بزرگ ایل قاجار را کشت و به روایتی، پسرش آقامحمدخان را دستگیر و در کودکی مقطوع النسل نمود.^۳

۱. پیرت آوری، تاریخ معاصر ایران، ص ۳۷.

۲. محمدحسن صنع الدوله، مرآة البلدان، ج ۱، ص ۶۴ و سپهر کاشانی، نسخ التواریخ، ج ۱، ص ۸ و ۷.

۳. سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ج ۱، ص ۵۸. درباره عامل اخته کردن

آقامحمدخان روایت های دیگری هم وجود دارد.

کریم خان با این که به آقامحمدخان احترام می گذاشت و گاه در امور کشوری با او مشورت می نمود، پانزده سال وی را به عنوان اسیر نزد خود در شیراز نگه داشت. آقامحمدخان هم زمان با مرگ کریم خان به بهانه شکار همراه دو برادر خود، جعفرقلی خان و مهدیقلی خان با ملازمت چند تن از خویشاوندانش از شیراز گریخت^۱ و ابتدا به اصفهان و از آن جا به مازندران^۲ رفت و سپس به میان قبیله خود بازگشت و با ایجاد سپاه بر تمام مدعیان ایل قجر غلبه نمود و به سوی شیراز حرکت کرد.

آقامحمدخان با کمک حاج ابراهیم کلانتر و خیانت وی به حاکم خود، یعنی لطفعلی خان زند، شیراز را تصرف نمود. با فرار لطفعلی خان زند به کرمان، آقامحمدخان به سوی کرمان رفت و با تصرف آن جا به قتل عام مردم پرداخت و بیست هزار جفت چشم مردم این شهر را از جدقه بیرون آورد و با دستگیری کردن لطفعلی خان، وی را نیز کور کرد! او به سبب ترس از حاکمان زند بالاخره شبی بدون آن که کسی باخبر شود، در تهران خفه و کشته شد. به قول امینه پاکروان، «لطفعلی خان شبی بی سروصدا در تهران خفه شد و از آن زندگی پرشکنجه رهایی یافت».^۳ در نهایت آقامحمدخان موفق شد تا سال ۱۷۹۴م تمام رقبایش از جمله لطفعلی خان را از بین برد و با کنار زدن آخرین فرد سلسله زند، حاکمیت یک پارچه ایران را بر تمام سرزمین های ایران سابق و گرجستان و قفقاز برقرار نماید. سپس پایتخت خود را در تهران، روستایی در نزدیکی ویرانه های شهر قدیمی ری تأسیس کرد و با غلبه بر مدعیان دیگر تاج و تخت در سال ۱۷۹۶م به طور رسمی به قدرت رسید.^۴

۱. سپهر کاشانی، ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۳۵.

۲. محمدجعفر خورموجی، حقایق الاخبار ناصری، ص ۷.

۳. امینه پاکروان، آقامحمدخان قاجار، ترجمه جهانگیر افکاری، ص ۲۱۰.

4. Vahid Rashidvash, "Qajar Rule in Iran: The Qajar Government Events That Changed the Fate of Iran", Journal of History and Social Sciences, Jhss, Vol. 2, No.2. July to December 2011, p4.

آقامحمدخان برخلاف افشاریه و زندیه با علما با ملایمت رفتار می‌کرد و به مراسم و شعائر مذهبی احترام می‌گذاشت و به بازسازی مساجد و اماکن مذهبی و گنبد و مرقد بعضی ائمه شیعه اقدام نمود. گرچه خودش اهل کتاب و مطالعه بود، بیشتر اطرافیانش از خان‌های بی‌سواد بودند. آقامحمدخان فردی باهوش و دارای روحیه نظامی‌گری بود و با سرعت در لشکرکشی‌ها معمولاً دشمن را به شکست وامی‌داشت. با این‌که فرد خسیسی بود، به لشکریانش اهمیت می‌داد و به اصطلاح به آن‌ها می‌رسید. در برخورد با هرگونه نافرمانی که با سوء ظن همراه بود، قاطعانه اقدام می‌کرد و به دشمنانش هیچ‌گونه رحمی نمی‌کرد. با این حال به سبب ستم‌های بی‌پروا هنگامی که به آذربایجان برای تصرف مناطق اشغالی به شوشا رسیده بود، توسط سه تن از فراشان خود در سال ۱۲۱۱ق در خواب کشته شد.^۱ بعد از کشته شدن آقامحمدخان، اغتشاشاتی در کشور روی داد که باعث شد بدنش دفن نشود و روی زمین باقی بماند. قسمت عمده ارتش سر به طغیان برداشتند و پراکنده شدند، اما نفوذ حاجی ابراهیم خان کلانتر که معتمد آقامحمدخان بود، مؤثر واقع شد. او عده‌ای از نیروهای ارتش را برای پیش‌روی به سوی تهران به طرفداری فتحعلی‌شاه روانه کرد و این در حالی بود که یکی از خان‌های قاجار، پایتخت را برای او نگاه داشته بود. فتحعلی‌شاه که آن وقت فرماندار فارس بود، به طرف تهران حرکت نمود و پس از ورود به تهران، خود را شاه اعلام کرد.^۲

فتحعلی‌شاه با همکاری خان‌ها و عده‌ای از چاکران خود توانست تمام شورش‌ها را سرکوب کند و مجدداً پایه‌های حکومت قاجار را مستحکم نماید. وی در سال ۱۲۱۲ق در تهران تاج‌گذاری نمود و تا

۱. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱، ص ۷۰.

۲. میر بررسی سابقس، تاریخ ایران، ج ۲، ترجمه سید محمد تقی فخر دانی، ص ۴۳۰.

سال ۱۲۵۰ ق حاکم مطلق ایران بود. این برهه به دلیل سست‌عنصری فتحعلی‌شاه از سیاه‌ترین دوران در تاریخ ایران است و از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی به کشور آسیب‌های فراوانی وارد گردید و باعث از دست رفتن و جدا شدن قسمت‌های زیادی از سرزمین‌های ایران شد. بعد از فوت فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۵۰ ق، محمدشاه قاجار ولی‌عهد فتحعلی‌شاه با کمک میرزا ابوالقاسم فراهانی و حمایت روسیه و پشتیبانی و همراهی یگان نظامی انگلیس از آذربایجان به تهران وارد شد^۱ و چهارده سال بر ایران حکومت کرد. در این چهارده سال، علاوه بر جدا شدن هرات با دخالت و خیانت انگلیس و درگیری با عثمانی، شورش‌های چندی در ایران رخ داد که سرکوب شدند. بعد از وی چهار نفر دیگر یعنی ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه، محمدعلی‌شاه و احمدشاه به سلطنت رسیدند. در این مدت با حضور جدی اروپاییان در ایران و ادامه رقابت‌های کذایی آن‌ها برای به دست آوردن منافع خود، زمینه‌های اضمحلال استقلال ایران و سیر قهقرایی ایرانیان و سنت و فرهنگ آن در جنبه‌های متعدد ادامه یافت، ولی با شکل‌گیری نهضت مشروطه، حرکتی مبتنی بر فهم شعور و آزادی براساس فرهنگ و سنت ایرانی برای رهایی از جهل و بی‌عدالتی میان ایرانیان آغاز شد. این حرکت ابتدا توسط روحانیان و علمای مبارز و آزادی‌خواه شکل گرفت، ولی با ورود اروپاییان به این تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، این حرکت سبک‌وسایق تجددگرایی به خود گرفت و روحانیان اصولی و دین‌محور کنار زده شدند. این حرکت روشن‌فکری در مراحل مختلف توسط دو قشر یعنی بعضی روشن‌فکران طرفدار فناورانه تجدد و ابزاری آن یعنی مدرنیسم شاخه «ابزاریت» و دومی توسط برخی روشن‌فکران و

روحانیان طرفدار مدرنیسم (شبه شریعت مدرن) رهبری می‌شد.^۱ با وجود آن‌که روحانیت اصولی که پایه‌گذار نهضت مشروطه بودند، از این نهضت کنار زده شدند، به دلیل مبانی قوی سیاسی و فقهی توانستند این مسیر را ادامه دهند و به انقلاب اسلامی در ایران منتهی نمایند.

ساختار حکومت قاجار (نیمه اول قرن سیزدهم قمری)

با تبیین ساختار نظام حکومتی قاجار و وضعیت شاه و دربار، درک وضعیت سیاسی- اجتماعی ایران در آن دوره میسر می‌شود. شناخت و درک درست واقعه تاریخی بدون فهم وضعیت موجود زمانی و مکانی و شرایط حاکم بر آن ناممکن است. شناخت وضعیت و شرایط حاکم در ایجاد حادثه تاریخی، به مورخ و پژوهش‌گر قدرت بازآفرینی صحیح واقعه تاریخی را می‌دهد. مخاطب نیز با مطالعه منبع تاریخی و ربط دادن موضوعات مختلف مربوط به واقعه تاریخی، علت ایجاد آن و حتی اتفاقات بعدی در آن شرایط را بهتر می‌فهمد.

دوره اول بیشتر براساس رسوم ایلاتی کشور اداره می‌شد. آقامحمدخان اولین پادشاه و بهترین نمونه رئیس ایلاتی بود که از طریق شبکه‌های ارتباطی ایلاتی، تصرفات ایلاتی و اتحادیه‌ها برای قدرت جنگید و به سلطنت رسید. قاجاریان بیشتر به واسطه متنفذان محلی حکمرانی می‌کردند تا از طریق مذهب و نظام اداری،^۲ ولی در حکومت فتحعلی‌شاه، محمدشاه و

۱. موسی نجفی و موسی فقیه، تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

۲. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، ص ۴۸. این برداشت درباره مذهب ناصواب است، چون از طبقات متنفذ در دوره اول قاجار، روحانیان مذهب شیعه بودند، به طوری که در مواردی با مخالفت بعضی روحانیان با حاکمان محلی، فتحعلی‌شاه مجبور به تغییر حاکم شد. هم‌چنین در جنگ‌های روس علیه ایران برای صدور فتوای جهاد به سوی علمای شیعه دست‌دراز کرد ولی کم‌کم با نفوذ غرب در ایران بروکراسی غرب به جای دیوان‌سالاری ایرانی قرار گرفت و مذهب در حاشیه قرار داده شد.

ناصرالدین شاه به دو دلیل از شیوة ایلاتی فاصله گرفتند: اول با تقلید از سنن و مراسم درباری پادشاهان گذشته ایران با ایجاد بروکراسی گسترده و با تشکیل ارتش کارآمد به دنبال تثبیت موقعیت خود و مشروعیت بخشی به حکومتشان بودند و دوم با شروع جنگ های ایران و روس و با آغاز مرارده با اروپاییان و مشاهده پیشرفت های آنها در امور کشوری و لشکری، برای تقویت خود به اصلاحات در بروکراسی و امور لشکری و کشوری به صورت تقلیدی پرداختند. از اواخر دوره فتحعلی شاه ساختار حکومت قاجار مخلوطی از سنت های دیوانی و لشکری سنتی و عشایری و نظام های ناقصی از بروکراسی جدید اداره می شد. با وجود این، استبداد و خودکامگی پادشاهان قاجار چون گذشته بر سیستم اداری، اجتماعی و سیاسی ایران مستولی بود. تفاوت این خودکامگی با گذشته این بود که «قاجاریه خودکامگی بدون ابزار خودکامگی بودند»^۱ چون مشروعیت و مقبولیت بسیاری از شاهان گذشته، خصوصاً صفویان را نداشتند و در مناطق دور از پایتخت، فرمانشان اجرا نمی شد و گاه اجرای فرمان آنها منوط به موافقت حکام و خان های محلی و روحانیان محلی بود. آنها با مماشات و همراهی این جایگاه های قدرت در مناطق دوردست و حتی تهران بر ایران حکمرانی می کردند و با وجود این، قاجار با استفاده از قدرت نظامی و مشروعیت دینی و ایدئولوژی به دنبال تحکیم سلسله خود بودند.^۲

برای حاکمان قاجار رسیدن به قدرت و تثبیت آن مهم ترین موضوع و دغدغه بود. به طوری که در مرادوات و معادلات سیاسی داخلی و خارجی، حفظ تاج و تخت و فرزندانشان اولویت اول آنها بود. این در حالی بود که قاجاریه به دلیل تصرف قدرت با زور و ستم از مقبولیت و مشروعیت واقعی و

۱. جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، ص ۲۲۱، به نقل از آبراهامیان، استبداد شرقی.

2. Roxane Farmanfarmanian, *War and peace in qajar Persia Implications*, P49.

همه‌جانبه در بین ایرانیان برخوردار نبودند. از آنجا که ظلم و ستم و بیدادگرها و ناامنی‌های متناوب در ایران وجود داشت ممکن بود شاه از سوی مردم به عنوان یک ناجی به شمار آید. با وجود این سلاطین بین اداره کشور و استثمار مردم تفاوتی قائل نبودند.^۱

وجود مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی و درگیری شاهزادگان قاجاریه برای تصاحب قدرت بیشتر، ناکارآمدی ساختار حکومتی قاجار را برای حل مشکلات دوجندان کرده و شروع جنگ‌های خارجی و نداشتن جایگاه مردمی باعث تضعیف پایه‌های قاجاریه در حکومت‌داری داخلی و مراودات خارجی بود. با وجود دشمنان داخلی و اختلافات شاهزادگان، ترس از به خطر افتادن سلطنت، پاشنه آشیل حکومت قاجار در روابط خارجی محسوب می‌شد و کشورهای بیگانه با شروع مراودات سیاسی بلافاصله به این ضعف اساسی حاکمان قاجار و اختلافات داخلی شاهزادگان پی برده بودند.

به هم‌ریختگی و تغییرات در ساختار حکومت قاجار و خودکامگی سلاطین آن از آغاز تا پایان در هر دوره، علل خاص خود را داشته است. آقامحمدخان بنیان‌گذار قاجاریه، سال‌ها صرفاً با جنگ و گریز توانسته بود ایران را مجدداً بعد از نادرشاه و سقوط زندیه تا حدودی یک‌پارچه نماید و به جای ترمیم ساختارهای حکومتی و رسیدگی به مشکلات اقتصادی و اجتماعی، بیشتر دنبال سرکوب مخالفان خود و شورش‌های داخلی و گاه تجاوزات خارجی بود. از این‌رو نه فرصت رسیدگی به امور اقتصادی، اجتماعی و عمرانی می‌یافت و نه توجه خاصی به این امور داشت و فقط برای رسیدگی به امور جنگی و جاری دستگاه حاکم، امور دیوانی سنتی را با صدارت زیر نظر خودش اداره می‌کرد. بدین لحاظ تقریباً ساختارهای اداری و القاب و مناصب دولتی دوران صفویه در دوره آقامحمدخان و دوره اول قاجار به شکل ضعیف‌تر

ادامه یافت. آقامحمدخان به مسائل اقتصادی، عمران عمومی و مشکلات اجتماعی و فرهنگی بی توجه بود و در حین سرکوب شدید شورش های داخلی و سران طوایف مخالف خود و گاه با خاندان و طوایف قاجاری رحمانه رفتار می کرد. چون آقامحمدخان پسر نداشت، پسر برادرش فتحعلی شاه بعد از کشته شدن وی در روزهای آخر سال ۱۲۱۲ق و اول سال ۱۲۱۳ق به سلطنت رسید و حکومتش بیش از ۳۷ سال طول کشید.

درباره فتحعلی شاه در لابه لای کتاب های تاریخی، قضاوت های گوناگون و بعضاً متناقضی یافت می شود که بسیار جای تأمل دارد. برخی معتقدند فتحعلی شاه در حکومت، ملایمت و عدالت نسبی داشت که از این لحاظ او را بهترین پادشاه ایران محسوب کرده اند! در مقابل، بعضی معتقدند مهم ترین خصال جوانی که دلیری و دلاوری است، در وی وجود نداشت؛ نه بصیرت سیاسی آقامحمدخان را داشت و نه قدرت نظامی اش را^۱ و از محاسن و معایب عمویش آقامحمدخان، معایب او را به ارث برده بود و از تدبیر و شجاعت او در فتحعلی شاه چیزی دیده نمی شد، چنان که به اندازه وی لثیم و مال دوست بود و در این زمینه از عموی خود نیز تجاوز کرده بود. هم چنین عمویش آقامحمدخان از پرداخت مخارج لشکرکشی و حقوق سربازانش خودداری نداشت و خلاف فتحعلی شاه به آن ها رسیدگی ویژه می کرد، در حالی که از علل عمده شکست خوردن فتحعلی شاه در دو جنگ با روس ها این بود که حتی از پرداخت حقوق سربازان و رساندن خوراک و علوفه اسبان آن ها در میدان جنگ خودداری می کرد. گاه نیز امیدوار بود که دولت انگلستان در مخارج جنگی او شرکت و همکاری کند.

بسیاری از مشکلات آن دوره متأثر از شخصیت فتحعلی شاه بود. وی مردی ایلاتی و از دنیا بی خبر، فوق العاده عیاش و خوش گذران و شیفته زنان، دارای

۱. پیتز آوری، تاریخ معاصر ایران، ص ۶.

همسران متعدد و طالب تکثیر اولاد بود. محمدتقی سپهر، نام ۱۵۷ همسر وی را شمرده که از آن‌ها ۲۶۰ دختر و پسر به دنیا آمده و اولاد و احفادش را بیش از ده هزار تن بیان کرده است.^۱ او در حرم سراهای خود به عیش و نوش می‌پرداخت و کمتر به فقر و بیچارگی مردم توجه داشت که این از عدالت به دور است. با این همه، با استعداد و دست کم در آن دوران، با سواد بود؛ مردی که از تاریخ ایران خبر داشت، شاه‌نامه می‌خواند و خود از شاعری بی‌بهره نبود و غزلیات بسیاری از او با تخلص «خاقان» باقی مانده است.^۲

فتحعلی شاه اعتقاد شدیدی به خرافات مثل طلسم، جادو، سعد و نحس ستارگان و توسل به دعانویسی داشت و این خصوصیت نشان ترسو بودن وی بود. او معمولاً در تصمیم‌گیری‌ها دچار تردید می‌شد و بیشتر فردی دهن‌بین بود. از این‌رو افراد متملق و چاپلوس و سیاس، دور و برش زیاد بودند و معمولاً با تملق از شاه به نان و نوایی می‌رسیدند و افراد شجاع، جدی و دارای فهم و عقل، کمتر می‌توانستند در دربارش جایی بیابند. او فردی بی‌اراده و زن‌باره بود که بعضاً می‌گویند بیش از هزار زن داشته است. در بعضی کتاب‌های تاریخی، مفصل در این باره نوشته شده و البته نام ۱۵۸ تن از زنان او در تاریخ آمده است.^۳ سپهر می‌نویسد: «زوجات شاهنشاه ایران عجب نباشد که اگر کسی شمار کند، با هزار تن راست آید، لکن در این کتاب مبارک، آنان که در حشمت حسب و نسب و سند داشته‌اند... به نام نگاشته می‌آید».^۴ چون پسران و دخترانش از زنان اقوام مختلف ترکمن، کرد، گرجی و غیره بودند، با هم رقابت داشتند. شاه هم بیش از آن که به فکر ترمیم ساختارهای مملکت

۱. سپهر کاشانی، ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۵۵۱-۵۶۲ (در نسخه اهتمام بهبودی، جزء اول، ص ۱۳۷ و ۱۳۸).

۲. یحیی آربین‌پور، از صبا تا نیمه، ج ۱، ص ۱۵.

۳. همان، ص ۱۰۰.

۴. سپهر کاشانی، ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۱۳۸.

و سیاست در برابر بیگانگان باشد، اکثر اوقات خود را به خوش گذرانی و عیش و نوش در حرم سرا می گذراند و بعضاً در گرما گرم نبردهای لشکریان ایران در شمال با روسیه، جبهه را رها می کرد و برای خوش گذرانی به تهران باز می گشت!

دوران فتحعلی شاه از دوره های سخت و حساس کشور بود. چون کشورهای اروپایی به کشورهای شرق سرزیر شده و با انواع حيله و نیرنگ برای منافع خود دنبال چپاول ایران بودند، شخصی با خصوصیات فتحعلی شاه که بیشتر اوقاتش را با خوش گذرانی و حفظ تاج و تخت می گذراند، بهترین طعمه برای به سرانجام رساندن اهداف آن ها در ایران محسوب شد. در این دوران، اروپا روز به روز در حال توسعه و پیشرفت بود، ولی ایران با وجود پادشاهان ضعیف و خوش گذران به انحطاط کشیده شد و زمینه برای نفوذ طولانی مدت غرب در ایران فراهم گشت.^۱ در فصول بعدی به این موضوع خواهیم پرداخت که بی تدبیری و بی کفایتی فتحعلی شاه و درباریان در مقابل بیگانگان، خصوصاً جنگ های ایران و روس چه صدمات جبران ناپذیری بر ایران وارد کرده است.

صدر اعظم های فتحعلی شاه

درباریان فتحعلی شاه در فراز و فرودهای حکومت قاجار نقش بسیار داشته اند. جز عباس میرزای ولی عهد و وزیران با کفایت وی همچون میرزا عیسی قائم مقام فراهانی و پسرش ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، چهار نفر که در زمان فتحعلی شاه به صدارت رسیدند و از همه تأثیرگذارتر بودند به شرح ذیل اند:

1. Vahid Rashidvash, "Qajar Rule in Iran: The Qajar Government Events That Changed the Fate of Iran", *Journal of History and Social Sciences*, Jhss, Vol2, No2. July to December 2011, p4.